

تأثیر بافتهای شهری سنتی و مدرن در وقوع جرم از منظر شهرسازی دانش

بنیان

محمد رضا خاکبان^۱، مینا کبودرآهنگی^۲ نیلوفر فقیری^۳، راضیه لیبیب زاده^۴

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات
M.khakban@yahoo.com

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
m-ahangi@srbiau.ac.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات
Niloofa90@yahoo.com

۴- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
R.Labibzadeh@gmail.com

چکیده

جرم و بزهکاری از جمله مهمترین معضلات اجتماعی در اکثر شهرهای دنیا است که بر زندگی شهروندان تأثیرات منفی روحی، جسمی و مالی می‌گذارد. از این رو پرداختن به آن از اهمیت زیادی برخوردار است. تفکیک بین بافت‌های فرسوده و تاریخی موجب فراموشی کامل بسیاری از بافتهای قدیمی شده است چه بسا این مناطق هم از لحاظ کالبد و هم از لحاظ محتوا زمینه ساز ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی باشند. روزانه در شهرهای بزرگ ایران و از جمله آن مکانهای مختلف شهر تهران این بافت‌های قدیمی به شکل گسترده تخریب و با خانه‌های نوساز جایگزین می‌شوند، که این نیز مشکلات ناشی از خود را از جهات مختلفی از قبیل بحران هویت و شکسته شدن هویت محله‌ای، ناسازگاری کالبدی فضاها و بطور کلی سردرگمی در سنت و مدرنیته و ایجاد تناقض در مقابل هنجارهای داخلی، می‌تواند به دنبال داشته باشد. غافل از آنکه با نگاهی کلان و استراتژیک و مدیریتی واحد و آینده‌نگر علاوه بر زنده نگهداشتن هویت ملی و شهری می‌توان از تلاقی بافت‌های قدیمی و مدرن و در نتیجه وقوع جرم محتمل تا حد امکان جلوگیری کرده و زمینه مساعد را برای ایجاد بافتی به دور از هرگونه تناقض ایجاد کرد.

کلمات کلیدی:

بافت قدیمی، بافت مدرن، جرم و جنایت، بافت سنتی

طرح مسئله

امروزه موضوع امنیت شهری، یکی از مسائل مهم در شهرها می باشد. عوامل متعددی در ایجاد شهر امن موثر می باشند. یک عامل موثر در امنیت شهری، پیشگیری از جرم و ناهنجاری اجتماعی است. با توجه به مطالعات صورت گرفته، عوامل اجتماعی مانند فقر، بیکاری، ناهماهنگی اجتماعی، میزان بالای جمعیت جوان باعث ایجاد محیطی مستعد و در معرض جرم و ناهنجاری رفتاری می شود. اما فاکتورهای اجتماعی تنها عوامل و جنبه های تعیین کننده جرائم و ناهنجاری های اجتماعی نیستند، فضا و کالبد فیزیکی شهرها و به بیانی نوع بافت مناطق شهری و حتی گاه برخورد آنها (تلاقی بافت های سنتی و مدرن) می تواند باعث توسعه جرم و ناهنجاری شود. به این ترتیب نحوه ی مداخله در یک بافت تاریخی و همچنین همجواری بافت های تاریخی و بافت جدید شهرها و نحوه اتصال این دو به یکدیگر همواره یکی از حساس ترین تصمیمات به شمار می رود.

این مسئله؛ یعنی چگونگی قرار گرفتن بافت های شهری در کنار یکدیگر و جلوگیری از تداخل آنها در کشورهای اروپایی نیز به شدت مورد توجه قرار می گیرد و از طریق برنامه های متفاوت شهری سعی در حل این مسئله دارند. اما باید در نظر داشت که طراحی و نحوه همجواری بافت ها با توجه به سیاست های کلانی که برای آتیه یک شهر در نظر گرفته می شود، تعیین می گردد و بسته به تاریخ و پیشینه هر شهر متفاوت است. به عنوان مثال در شهرهایی مانند بارسلون و والنسیا سیاست کلی بر توسعه مدرن شهر بوده و بافت تاریخی توسط یک کمربند خیابانی از بقیه بافت که به صورت شطرنجی و مدرن است جدا شده و بافت تاریخی به عنوان یک هسته حفظ شده است، اما در شهری مانند گرانا و یا کوردوبا بافت تاریخی در حلقه محاصره یک خیابان نبوده و به خوبی با بافت جدید که از فرم قدیمی تبعیت کرده تلفیق شده است. {۶}

تعریف مفاهیم

بافت سنتی: بافت سنتی، مجموعه به هم پیوسته ای از اجزا و عناصر شهری شامل؛ واحدهای مسکونی اعم از فرسوده، مرمتی و تخریبی، آثار با

ویژگی عصر ما شهرنشین شدن جمعیت، افزایش جمعیت شهرها و به تبع آن توسعه شهرهای کوچک و بزرگ است {۱}. در قرن بیست و یکم، جمعیت شهری دنیا به مرز ۵۰٪ کل جمعیت جهان رسیده و پیش بینی می شود؛ در سال ۲۰۲۵ میلادی از مرز ۶۱٪ تجاوز نماید {۲}. به این ترتیب، با شروع هزاره سوم، تخمین زده می شود که تقریباً نیمی از جمعیت جهان در مناطق شهری سکونت یافته باشند، یعنی جایی که بیشترین منابع را مصرف و بیشترین ضایعات و آلودگی ها را تولید می کنند. فقر، تخریب محیط زیست، فقدان خدمات شهری، نزول زیر بناهای موجود، فقدان دسترسی به زمین و سر پناه از جمله بحران های مربوط به رشد جمعیت در شهرها هستند {۳} از هنگامی که شهرهای بزرگ برای نخستین بار شکل گرفتند، یعنی از سده ی هجدهم، دو دیدگاه درباره ی آثار و عواقب شهرنشینی بر زندگی اجتماعی مقابل هم قرار گرفتند. برخی، شهرها را نمودی از «فضیلت متمدن» می دانند که سرچشمه ی پویایی و خلاقیت فرهنگی است. برای این دسته از نویسندگان، شهرها بیشترین فرصت ها را برای توسعه ی اقتصادی و فرهنگی فراهم می آورند و ابزارهای لازم برای زندگی آسوده و رضایت بخش را به دست می دهند. بعضی هم شهر را آتش سوزان پردودی می بینند که آکنده از جماعتی پرخاشگر و بی اعتماد به به یکدیگر است که همگی غرق در جنایت و خشونت و فساد و تباهی اند. {۴}

به طور کلی، ساخت شهری عبارت است از مجموعه ی اجزاء و عناصر گوناگون محیطی و انسانی که در تعامل مشترک با یکدیگر امکان حیات و بقای شهر را ممکن می گردانند. ادامه ی فعالیت ها و کارکردها ی بخش های گوناگون شهری منوط به سلامت روابط و قدرت انسجام بخش های مذکور در جهت تامین نیازهای ساکنین شهری است. که در صورت به هم خوردن آن می تواند پیامدهایی چون؛ بروز اشکال گوناگون از تناقضات شهری به ویژه در بعد ساختاری و یا نظام ارتباطات درون شهری را به دنبال خود داشته باشد. {۵}

به این ترتیب برخورد و تلاقی سنت و مدرنیته در بافت های شهری به عنوان نمونه ای که از قدرت انسجام تهی شده است، می تواند تناقضاتی را هم در بعد کالبدی و هم در بعد اجتماعی به دنبال داشته باشد، که به مرور زمان به فضاهای زمینه ساز جرم نیز تبدیل شوند.

ارزش تاریخی، بازار، تأسیسات، شبکه معابر، فرم معماری و کالبدی ویژه ای است که محصول رشد تدریجی و ارگانیک شهر در ادوار تاریخی مبتنی بر تکنولوژی حمل و نقل ماقبل صنعتی بوده و دارای ساخت فضایی متمایزی از لحاظ کارکرد و سیما نسبت به بخش های جدید شهری است {۷}. یک محله سنتی قادر است در مقابله با ضوابط و مقررات نامعقول تحمیلی، سخت مقاومت کند تا جایی که عملاً آنها را از اعتبار اجرایی ساقط نماید. ناگفته نماند که البته این مقاومت بدون هزینه گزاف و تحمل مشقات برای محله و مردم آن نبوده و نیست. {۸}

بافت قدیمی: بافتی می باشد که در فرایند زمانی طولانی شکل گرفته و تکوین یافته و امروزه در محاصره ی تکنولوژی عصر حاضر قرار گرفته است. {۹}

در مقابل بافت قدیمی و سنتی، بافت مدرن قرار گرفته است که با تکیه بر تکنولوژی و شیوه ی نو در معماری و ... فرهنگی نو و متفاوت از بافت سنتی را باخود خواهد داشت. گاه شاهد برخورد و گره خوردن هنجارها و ارزش های محیطی این دو بافت با یکدیگر می شویم .

جرم: در جوامع مختلف، معیار شناخت جرم و بزهکاری به طرز تفکر، فرهنگ و پیشرفت و عقب ماندگی آن جامعه بستگی دارد {۱۰}. بنابراین ممکن است انجام رفتاری در یک جامعه نرم و در جامعه ی دیگر، جرم محسوب شود. ولی می توان گفت هرگونه رفتار خلاف اجتماعی و غیرقانونی که ارتکاب به آن مجازات و جریمه ی معینی داشته باشد، جرم نامیده می شود. {۱۱}

چارچوب نظری

با توجه به این مسئله که؛ جرایم شهری موجب تحمیل هزینه های بسیار گزافی در سطوح فردی، اجتماعی و ملی می گردد {۱۲}. پرداختن به آن؛ بالاخص از زاویه ی تاثیرگذاری و تاثیرپذیری رفتار و محیط. حائز اهمیت می باشد. مطابق این نگرش جهت پیشگیری از جرم علاوه بر «بزهکار» بایستی مکان وقوع بزه نیز مورد تاکید قرار گیرد، تا با حذف فرصت های مجرمانه در محیط جغرافیایی، امکان به حداقل رساندن نرخ بزهکاری فراهم گردد. {۱۳}

نظریه رفتار و محیط:

میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری دو مقوله رفتار و محیط به طور عمده در قالب دو تئوری تعیین کنندگی و امکان دهندگی بیان شده است. در دیدگاه تعیین کنندگی محیط، محیط نقش تعیین کننده ای در رفتار، ادراک و احساس انسان دارد. در این دیدگاه هر محرک پاسخ خاص ایجاد می نماید. محیط، در چنین دیدگاهی عمدتاً به معنای شرایط اقلیمی و جغرافیایی است، اگر چه قابل تعمیم به محیط مصنوع نیز می باشد. دیدگاه امکان دهندگی محیط، محیط فیزیکی را بستری می داند که امکانات و محدودیت هایی را برای رفتار به وجود می آورد اما محیط، تعیین کننده رفتار نیست، بلکه صرفاً امکان بروز برخی رفتارها را فراهم می کند و یا محدودیت هایی را برای بروز برخی دیگر از رفتارها به وجود می آورد. در این دیدگاه محیط است که بر رفتار انسان تأثیر میگذارد. در دیدگاه احتمال دهندگی ضمن آنکه مردم میتوانند رفتارهای مختلفی را در یک محیط داشته باشند، ویژگیهای طراحی و عوامل محیط مصنوع را نیز در احتمال بروز رفتارهای خاص مهم می داند {۱۴}

نظریه جرم شناسی محیطی:

با بررسی های مطالعات پیشین جغرافیای بزهکاری می توان دریافت که تأکید بیشتر بر عوامل محیط طبیعی (آب و هوا، دما، کوه، دریا، دشت، عرض جغرافیایی و ...) و تأثیر آن بر انسان و رفتار او بوده است، در حالی که در تحقیقات کنونی عوامل مربوط به محیط انسانی (اجتماعی) و شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که انسان را در بر گرفته است، بیشتر مورد توجه است. طبق عقیده غالب، جرم قبل از اینکه پدیده ای جبرگرایانه و ناشی از عوامل قطعی و غیر قابل تغییر محیط طبیعی باشد، پدیده ای اجتماعی و متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و مکان جرم می باشد {۱۵}. دگرگونی سریع محیط یکی از ویژگی های بنیادی زمان ماست، هر روز شهرها و محله ها و بناهای جدیدی ساخته می شوند. قرارگاه های کالبدی برخی الگوهای رفتاری و تنش های اجتماعی نوینی را بر ساکنین خود تحمیل می کنند و یا برخی الگوهای رفتاری و نقش های اجتماعی را تقویت و برخی دیگر را تضعیف کرده و به طور خلاصه

آن صرف کرده اند، بیشتر به فعالیت های متداول زندگی تعهد دارند. از این رو به منظور موقعیت و پایگاه اجتماعی که با تلاش خود به دست آورده اند کج رفتاری نمی کنند.

پ- درگیر بودن^۳:

معمولاً کسانی که درگیر کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی، مشارکت اجتماعی و امثال این هستند کمتر فرصت پیدا می کنند که هنجارشکنی کنند. برعکس، کسانی که بیکار هستند بیشتر به کج رفتاری روی می آورند. به همین دلیل آسیب شناسان اجتماعی معتقدند که افزایش سال های تحصیل، انجام خدمت وظیفه و فراهم بودن امکانات ورزشی، باعث کاهش کج رفتاری و بزهکاری در میان جوانان می شود.

ت-ایمان یا باور^۴:

یعنی هر چه قدر که میزان اعتقاد به ارزش های اخلاقی و هنجارهای فرهنگی ضعیف تر باشد، احتمال بروز کج رفتاری در فرد بیشتر می شود. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی نیز برای هم نوایی با قوانین رسمی و غیر رسمی برای خود تصور نمی کند {۱۷}

هیرشی ادعا کرد اگرچه شاغل بودن، فرصت برای فعالیت های بزهکارانه را محدود می کند. با این حال احتمال بزهکاری هنگامی که چهار عنصر یاد شده ضعیف شود، بیشتر است. منظور هیرشی این است که فرد نسبت به افرادی که با آنان پیوندهای نزدیکی دارد، دارای احساساتی است که این احساسات موجب می شود نسبت به آن چه درباره رفتار می اندیشند مراقب باشد. بنابراین، کنترل بزهکاری با تعلقات جوانان نسبت به والدینشان پیوند می خورد. هیرشی مؤلفه های چهارگانه نظریه اش را روی یک نمونه چهار هزار نفری از جوانان کالیفرنیا آزمود. نتایج این پژوهش نشان داد که موقعیت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین نسبت به تعلق فرزندان به والدین تأثیر کمتری بر رفتار بزهکارانه جوانان دارد. پس از وی، هیندلانگ (۱۹۷۳) نیز پی برد علاوه بر اینکه ارتباط معناداری بین تعلق به خانواده و مدرسه و رفتار بزهکارانه وجود دارد، یک رابطه مثبت بین تعلقات و تقیدات به گروه های هم سال بزهکار و گرایش جوانان به رفتار بزهکارانه نیز وجود

جهت و ابعاد جدیدی به رفتار ساکنین خود می بخشند {۱۶} به کمک تئوری کنترل اجتماعی تراویس هیرشی، مسئله ی تأثیر برخورد بافت های سنتی و مدرن بر وقوع جرم، را روشن تر خواهیم کرد.

کنترل اجتماعی:

از نظر تراویس هیرشی، کنترل اجتماعی به شیوه هایی گفته می شود که جامعه برای واداشتن اعضایش به هم نوایی و جلوگیری از ناهم نوایی و ناسازگاری به کار می برد {۱۷}. او اعتقاد داشت با وجود اینکه تمام افراد، بالقوه مستعد انجام جرم و هنجار شکنی هستند، اما به خاطر ترس از اینکه عمل مجرمانه به روابط آنها با خانواده، دوستان، همسایه ها، معلمان و کارفرمایان آسیب برساند، خود را کنترل می کنند. در واقع هیرشی، کجروی را معلول گسستگی یا ضعف تعلق فرد با جامعه می دانست. او (۱۹۶۹) در کتاب تأثیرگذارش تحت عنوان «علل بزهکاری»، وقوع فعالیت انحرافی را در درجه اول نتیجه شکست و ضعف پیوندهایی معرفی کرد که فرد را به جامعه پیوند می دهد. هیرشی چهار عنصری را که باعث پیوند بین فرد و جامعه می شود چنین تعریف کرده است:

الف- دلبستگی یا وابستگی^۱:

وابستگی با افراد و نهادهای اجتماعی، یکی از شیوه هایی است که فرد خود را از طریق آن با جامعه پیوند می دهد. ضعف چنین پیوندهایی موجب می شود که فرد خود را در ارتکاب کج رفتاری آزاد بداند. برای مثال؛ یک فرد مجرد بیشتر امکان دارد دزدی یا خودکشی کند، یا اینکه به مصرف مواد مخدر دست بزند. در حالی که فرد متأهل به دلیل پیوندهای اجتماعی که دارد، احتمال کمتری دارد که مرتکب کج رفتاری شود.

ب- تعهد^۲:

افراد جامعه در دستیابی به هدف هایی مانند؛ تحصیل، کار، خانه، و دوستان که برای آنها سرمایه گذاری کرده اند و وقت و انرژی خود را در راه

³.Involvement

⁴.Belief

¹.Attachment

².Commitment

شهری در دهه های گذشته در حوزه سیاست گذاری های مدیریت شهری در اولویت نبوده و جدی به آن نگریده نمی شده ولی از یک دهه گذشته به عنوان یکی از سرفصل های مهم برنامه ریزی ملی و اسناد توسعه کشور در تمامی ابعاد مورد توجه قرار گرفته است. {۱۹}

البته باید به این مسئله هم توجه داشت که ارتباط بافت قدیم با گذشته، آن را واجد ارزش هایی می کند که ارزش های تاریخی و فرهنگی را شامل می شود. اما این بافت، فقط مربوط به گذشته نیست؛ بلکه پل ارتباطی حال با گذشته است. آن هم به دلیل فضایی است که از ارتباط میان اجزاء و عناصر شهرهای تاریخی پدید می آید. جامعه و فضا نیز دارای روابطی از نوع کنش متقابل اند که نتیجه این ارتباط، ایجاد فضای خاص و بافت شهری مناسب با هیأت های فرهنگی برای جامعه است. این جا است که گفته می شود: زمینه و ساخت فضایی را نمی توان منهای روابط و فرآیندهای اجتماعی آن فهم کرد. {۲۰}

در مورد بافت های سنتی دو دیدگاه وجود دارد؛

الف- گروهی معتقدند: از اصلی ترین ارکان حفظ هویت یک ملت، زنده نگاه داشتن گذشته و بافت سازه های آن کشور است؛ از این رو ملتی می تواند تمدن و فرهنگ خود را به جهانیان معرفی کند که ابتدا خود در حفظ و بسط دادن آن کوشا باشد.

بافت های تاریخی یکی از ارکان ارزشمند و هویت بخش در شهر ها می باشند. عناصر، بناها و نحوه شکل گیری و شبکه های عبور و مرور در هر بافت تاریخی نشان از نحوه زندگی اجتماعی ساکنین آن شهر دارد. عدم توجه به یک بافت تاریخی با توجه به گذر زمان و عمر زیاد ابنیه ارزشمند آن می تواند به نابودی فرهنگ و هویت یک جامعه بینجامد. به عبارتی دیگر همواره از شقوق مطرح و مهم در میان مردم هر سرزمینی، مکان زیست و روح حاکم بر سبک زندگی گذشتگان در هر شهر و دیاری می باشد.

ب- در مقابل گروهی معتقدند؛ این مناطق زمینه ساز آسیب های اجتماعی و مواردی از این قبیل می باشند.

دارد. با این حال، هیندلانگ دریافت که تعیین هویت با گروه های هم سال، لزوماً موجب افزایش بزهکاری نمی شود؛ بلکه برای تبیین بزهکاری باید به ورای تعلق به گروه های هم سال رفته و نوع گروه های هم سالی را که فرد به آنها تعلق می یابد کشف کرد. زیرا تنها تعلق به هم سال بزهکار موجب افزایش بزهکاری جوانان می شود و احتمال اینکه تعلق به گروه های هم سال عادی، رفتار بزهکارانه را کاهش دهد نیز وجود دارد. او همچنین بر این باور بود که جامعه پذیری جوانان در زمان و مکانی صورت می گیرد که بیشترین خطر قربانی شدن و گرایش به رفتار بزهکارانه برای آنها وجود دارد {۱۸}.

با توجه به تئوری هیرشی در مورد علل جرم، پیوند فرد با جامعه در درجه اول اهمیت قرار دارد با چهار عنصر ذکر شده؛ از این رو در مورد برخورد بافت های سنتی و مدرن می توان اینگونه نتیجه گرفت که در نتیجه تلاقی، ممکن است شاهد برهم خوردن ارزش ها و هنجارها، ایجاد تناقض در مواردی و حتی ظهور مقولات جدیدی باشیم که سابق بر آن تعریف نشده بود؛ به این ترتیب فرد در ایمان و باور خود به ارزشها، دلبستگی به نهادهای اجتماعی سنتی و برخورد با نهادهای اجتماعی مدرن، دچار تضاد و در نتیجه از خود بیگانگی شده و در میزان درگیر بودن و تعهدش خلل ایجاد می شود.

بافت های قدیمی

فرسودگی شهری یکی از مشکلات جدی و پدیده ای غیرقابل اجتناب است که مدیریت شهری در تمام کشورهای جهان با آن روبه روست. آنچه مهم است اینکه فرسودگی شهری و ایجاد بافت های فرسوده مختص به کشور خاص یا شهر مشخصی نمی باشد بلکه تمامی شهرها و روستاها در جهان با آن درگیر هستند ولی بسته به شرایط، قدمت، نوع مصالح و کیفیت ساخت وساز شهرها شدت و ضعف دارد. بدیهی است که استانداردهای ساخت وساز، دوره زمانی تعریف شده برای عمر مفید بناها، کیفیت و مقاومت مصالح، سیاست های حمایتی و تشویقی دولت و برنامه های مدیریت شهری از عناصر تعیین کننده در ایجاد و گسترش بافت های فرسوده و کنترل و نوسازی بناها می باشند. اگرچه موضوع فرسودگی

از نظر ریخت شناسی؛ بنیادهای فیزیکی، تاسیسات راه و جاده، مجتمع های بزرگ ساختمانی، معماری و طراحی کالبدی، نمای بیرونی شهرها را دستخوش تغییرات وسیع کرده است. بدیهی است دگرگونی های فوق با خود اشکال جدید از فضای ارتباطی را همراه داشته است {۲۳}

گذشته از این که در مناطق شهری با بافت سنتی به دلایل ذکر شده، شاهد بروز جرم، انحراف و به طور کلی آسیب های اجتماعی می باشیم؛ باید اشاره کرد در روند مدرن شدن به نظر می رسد امکان گسترش جرم در مواردی بیش از قبل فراهم شود؛

✓ مقاوت عده ای از شهروندان سنتی در مقابل تغییرات و مدرن شدن.

✓ عدم تطابق برخی ارزش های محیطی مدرن و سنتی و در نتیجه ایجاد تضاد و تناقض.

✓ گاه از هم گسیختگی هویت محلی برخی شهروندان و حتی امکان بروز بحران در هویت یابی. از نظر زیمبل، انسان در شهر بزرگ همچون دندانده ای از یک ماشین بزرگ است؛ دندانده ای که شخصیت و هویت مستقلی ندارد. بنابراین، برای احراز هویت و ابراز شخصیت کامل از خود ممکن است دست به کارهای عجیب و غریب بزند. تمایل یک شهرنشین متخلف به ارتکاب بزه های وحشتناک نشان از تهور وی در به نمایش گذاردن شخصیتی دارد که در کلان شهر دچار مشکل خودیابی شده است. {۲۳}

احتمال این که همه ی این موارد را هنگام تلاقی بافت های سنتی و مدرن نیز شاهد باشیم، می رود.

تلاقی بافت های سنتی و مدرن

تلاش برای ایجاد ساختی مدرن زمانی که سنت ها، ارزش ها و هنجارهای بافتی با قدمت زیاد هنوز به طور کامل از بین نرفته است، سبب شکل گیری نوعی ناهمخوانی در آن بافت و فضای شهری می شود. ناهمخوانی در اجزای معماری و کالبدی شهر چه در عرصه ی بنا و ساختمان، خیابان و گذرهای بین شهری و یا در بعد توجه به نظام فضایی تاسیسات و خدماتی از تناقضات شهری در بعد فیزیکی و کالبدی خبر می دهد؛ که علی رغم اهمیت و نقش

مدیران شورای عالی شهرسازی و معماری و دیگر ارگان های صاحب نظر، وجود بافت های فرسوده را سدی در مقابل تحقق روش های مدرن مدیریت شهری در شهرسازی دانسته و وجود این بافت ها را بخشی از دلایل عدم پیشرفت در توسعه شهری معرفی می کنند.

از سوی دیگر، مناطق فرسوده شهری به دلیل داشتن هزینه های به مراتب کمتر به محلی برای اسکان مهاجران و اقشار کم درآمد شهری تبدیل شده و همین امر مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گسترده ای را به وجود آورده است، که در صورت عدم رسیدگی به آن در آینده مشکلات زیادی گریبان گیر شهرها خواهد شد.

به این ترتیب محله های قدیمی و فرسوده به عنوان یکی از عوامل اساسی کاهش امنیت و افزایش جرم محسوب می شوند، که به دلیل همین فرسودگی و همچنین فقدان بهداشت، اسکان مهاجر، تراکم و... به محله های جرم خیز تبدیل شده اند. در دیگر کشورها از طریق فرآیند اصالت بخشی و برگرداندن هویت قبلی این بافت ها به آن ها، در امر احیا و بازسازی این محله ها تلاش می شود. برخلاف ایده ای که معتقد است برای برطرف کردن مشکل این بافت ها باید آن ها را تخریب کرد، با سرمایه گذاری عمومی در این بافت های مسئله دار شهری می توان از مشکلات و میزان جرم و جنایت در آنها کاست {۲۱} تخریب این بافت ها، نه تنها باعث پراکنده شدن جرم و جنایت در سطح شهر می شود، بلکه موجب تخریب شبکه های اجتماعی موجود می شود، ذخیره مسکن موجود را کاهش می دهد، زیرساخت های این منطقه را تخریب می کند و زاغه ها و مکان های آلودگ نشینی را در شهر ایجاد می کند {۲۲}.

بیگانگی از مظاهر و نمودهای فیزیکی محله هایی که فاقد برخورداری از فضای کارکردی متناسب شهری اند زمینه ی ابهام در هویت اجتماعی در مکان را نیز فراهم می گرداند {۲۳}. به این ترتیب، این مناطق که در گذشته نه چندان دور تابلوی هویت و اصالت یک شهر را نشان می داد به مکان های نا امنی برای جان انسان ها تبدیل شده است، از طرفی دیگر روند پر شتاب و رو به رشد جمعیت شهرنشین بر شهرسازی غلبه پیدا کرده و خود موجب دامن زدن به بافت فرسوده و ایجاد طبقه فقیر نشین شده است.

در روند مدرن شدن

به این ترتیب زمانی که برای ایجاد کالبد و فضایی مدرن در بافتی قدیمی تلاش صورت می‌گیرد، باید به این مسئله توجه شود که هر یک از واحدها و محله‌های شهری، هنجارها و ارزش‌هایی را در دل خود پرورش می‌دهند و از این رو در اجتماعی کردن افراد نقشی تعیین‌کننده دارند. همانند سایر نهادها و ساختارهای اجتماعی‌کننده. و در صورت به هم خوردن فضای فیزیکی محله‌ای، گذشته از این که از نظر کالبدی در آن محیط خلل ایجاد می‌شود و این تغییر فرم مشکلی را در حوزه‌ی شهرسازی و معماری ایجاد می‌کند، روح (محتوا) آن را نیز دچار خدشه می‌کند. که این مسئله برای ساکنین آن محیط می‌تواند به شدت آسیب‌زا باشد. در این مورد محله‌های قدیمی که طی سالیان متوالی شکل می‌گیرند و با عنوان بافت سنتی و قدیمی شناخته می‌شوند، وضعیتی به مراتب حساس‌تر از سایر قسمت‌های شهر دارند. درست همانند انسان‌های سالمندی که شخصیت و هویت آنها شکننده و حساس است و تغییر در آنها، در صورتی که با شتاب صورت بگیرد می‌تواند به شدت مخرب باشد. از این رو تلاش برای نوسازی در این بافت‌های قدیمی به نظر می‌رسد در صورتی که با شتاب و بدون برنامه‌ریزی انجام شود، تلاقی سنت و مدرنیته را به دنبال خواهد داشت، و این مسئله به دلیل اینکه از نوعی عدم سازگاری در کلیت فضای شهری-فرم، محتوا-حکایت می‌کند، به این معنا که فرم و کالبد با محتوا هم خوانی ندارد، و همچنین گاه حتی برخورد هنجارهای سنت و مدرنیته و به طور کلی خلط شدن محتواها با یکدیگر، می‌تواند آسیب‌های اجتماعی و جرم را به دنبال داشته باشد.

یکی از مناطقی که به نظر می‌رسد می‌تواند مصداق خوبی برای چنین وضعیت تداخل و برخورد فرهنگی و کالبدی در فضای شهر تهران باشد، پامنار است. در گذشته، محله پامنار یکی از گذرهای محله «عود لاجان» بوده که به صورت بازارچه‌ای -به طول ۱۴۰۰ متر-، «دروازه شمیران» را به شبکه «بازار» متصل می‌ساخته است. درگذر پامنار، باغهایی نیز وجود داشت که یکی از آنها را سفارت روسیه تزاری خرید و بعدها که سفارت مذکور به جای دیگری منتقل شد، این باغ که اکنون در ضلع غربی خیابان پامنار واقع است، به مرکز بازرگانی سفارت روسیه اختصاص یافت. پس از توسعه معابر، بازارچه پامنار که خود مجموعه‌ای شامل کاروانسرا، تیم، تیمچه، تکیه، حمام، آب‌انبار، مسجد و مدرسه بود، به خیابان پامنار تبدیل شد و بعضی از بناهای قدیمی در این تبدیل و توسعه، از میان رفت. اما «منار» مسجد و مدرسه میرزا صالح، پس از اتمام طرح توسعه، به «مدرسه انصاریه» تغییر نام یافت {۲۵}. و عاقبت پس از تغییراتی در

کارکردی اجزاء در تفکیک از یکدیگر، مجموعه‌ای غیرکارا و نارضایت بخش را برای ساکنین شهری موجب می‌گردد. افزایش فاصله میان ساکنین و فضاهای ناآشنا و در بسیاری موارد ناسازگار، خود به معضل مهم کالبدی شهری تبدیل می‌گردد. گذشته از واقعیت تناقضات شهری در عرصه‌ی فضاهای کالبدی شهر، مهم‌ترین موضوع تولید و توسعه‌ی اشکال گوناگون از ناسازگاری‌ها میان جهان ادراکی و واقعیت بیرونی در محیط‌های شهری و بروز اشکال مختلف رفتار و سلوک متناقض شهروندی است. {۲۳}

از جمله عوامل مؤثر در ایجاد امنیت در شهرها، عوامل کالبدی است. به این معنا که نحوه‌ی طراحی شهرها، در افزایش یا کاهش امنیت، تاثیر زیادی دارد. از این رو بی‌نظمی محیطی- یعنی عدم وجود روابط قاعده‌مند در محیط کالبدی شهر- به عنوان یکی از عوامل کالبدی، در ایجاد جرم به شدت مؤثر است. به عنوان مثال، وقتی در مکانی ازدحام جمعیت بالاتر از حد مطلوب وجود دارد، احتمال وقوع جرم زیاد است. بی‌نظمی محیطی ممکن است علاوه بر عوامل اجتماعی، ناشی از بی‌ثباتی مقررات شهرسازی هم باشد. این بی‌نظمی، فضای شهری را بالاتر از حد مطلوب، وقتی فضای شهر، بی‌ثبات و بالاتر از حد مطلوب، عملاً الگوی ساخت و ساز و الگوی معابر بی‌نظم می‌شود، نحوه خدمات‌رسانی نامناسب می‌شود و... {۲۴}. این بالاتر از حدی بر تمام ساختارهای شهری اثرگذار است. به این ترتیب زمانی که در بافتی سنتی برای نوسازی تلاش می‌شود، ممکن است شاهد برخورد مدرنیته و سنت با یکدیگر در آنجا باشیم، و این مسئله به نوبه‌ی خود بی‌نظمی محیطی را که زمینه‌ساز جرم می‌باشد، به دنبال خواهد داشت.

یکی دیگر از عوامل مؤثر در کاهش امنیت و افزایش جرم و جنایت در شهرها، وجود فضاهای بدون دفاع شهری است. عوامل متعددی در ایجاد این فضاها مؤثر است. مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری این فضاها عبارت است از؛ عدم سازگاری بین فرم، کارکرد و معنی. با توجه به این اصل که هر فعالیتی باید در عرصه‌ای که دارای ویژگی‌های کالبدی و فضایی مشخص و متناسب با آن فعالیت است، انجام پذیرد، می‌توان به رابطه بین فرم، کارکرد و معنی پی برد. این رابطه باید به گونه‌ای باشد که کالبد فیزیکی (فرم)، توانایی جوابگویی به کارکرد و معنی را به صورت توأم دارا باشد (اسماعیل زاده: ۷۸). و در صورت به هم خوردن این سازگاری، مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت.

عملی و رفتاری شده است. در این مسیر است که فردیت ایرانی بیشتر فردیت خودخواهانه تا دگرخواهانه سامان یافته است. وجود فردیت ایرانی خودمدار و خودخواهانه با وجود سازمانها و نهادهای اجتماعی فراگیر و تمدنی اصل نزاع و گرفتاری و مشکل جامعه، دولت، نظام سیاسی و اندیشه ایرانی است {۳۰}

به این ترتیب شاید بتوانیم اینگونه نتیجه گیری کنیم که این تلاقی بین سنت و مدرنیته در ایران به وضوح قابل مشاهده و بررسی است. و بهتر آن است که از طریق برنامه ریزی و مدیریت منسجم، با حفظ تار و پود محتوای هر کدام ارتباطی درست بین آنها برقرار کنیم.

در ایجاد ارتباط و پیوند میان سنت و مدرنیته در معماری و شهرسازی، از تأثیر احساس بر زندگی انسان نباید غافل بود؛ تأثیری که اگر چه ممکن است تعیین آن در برخی زمان ها آسان نباشد؛ اما به خصوص در شکل دادن فرهنگ کنونی ما واجد اهمیت و معنای فراوان است {۳۱}. از این رو بهتر است با حفظ جایگاه سنت و مدرنیته و بدون هرگونه ضایع کردن، پیوندی منطقی بین آنها ایجاد شود تا از هر گونه تناقض احتمالی جلوگیری شود. اخیراً دیده می شود فرهنگ و سنن، در شهرسازی دنیا مورد توجه قرار گرفته است، به ویژه با به وجود آمدن تفکر پست مدرنیسم، اغلب معتقدان به این مکتب، نسبت به شیوه های جدید شهرسازی، اظهار عدم تمایل می کنند. عده ای از معماران متعهد عصر حاضر در هند، می کوشند تا معماری معاصر را به گونه ای تغییر دهند که هم دارای محتوای فرهنگی و تاریخی، و هم پاسخ گوی نیاز قرن بیست و یکم باشد. راج روال در سال ۱۳۶۴ نوشت: «تلاش نسل ما، ایجاد ارتباط بین معماری گذشته هند و دوران معاصر، با حفظ زنجیره آن است». {۳۲}

نتیجه گیری

به طور کلی قبل از هرگونه ساخت و ساز در یک بافت تاریخی باید به دنبال یک استراتژی برای یک مداخله هدفمند در آن بافت بود. در یک بافت علاوه بر حفظ کالبد باید به دنبال حفظ روح آن نیز بود. بدین صورت بافت با پویایی به وجود آمده بعد از مداخله به صورت کاملاً مستقل به حیات خود ادامه خواهد داد.

۱۳۷۲ ه.ش از طرف منطقه دوازده آموزش و پرورش تهران، «مدرسه ولایت فقیه» نام گرفت. محله پامنار به ویژه در سالهای نهضت ملی شدن نفت، به دلیل سکونت آیت الله کاشانی در آن محله و آمدوشد خواص و عوام به آنجا به یکی از کانونهای مهم سیاسی تبدیل شد و شهرت بسیار یافت {۲۶} و {۲۷} و {۲۸}.

باتوجه به اینکه پامنار دارای بافتی قدیمی و سنتی می باشد، برخی از خیابان ها و بناهایش که از تاریخچه و قدمت زیادی برخوردارند، می توانند به عنوان میراث فرهنگی مورد مرمت و بازسازی قرار بگیرند و باقی مناطق آن نیز با برنامه ریزی و مدیریت مورد نوسازی قرار گرفته و بافتی مدرن را در خود شکل دهند. اما دیده می شود پامنار در معرض این تلاقی و همجواری سنت و مدرنیته قرار گرفته است.

البته مردود شمردن تغییر و تحول در بافت های قدیمی، منطقی نیست؛ اما باید به ارتباط صحیح، میان سنت و مدرنیته تأکید داشته باشیم و بدانیم، برای مثال این ابنیه ی دوره ی صفویه که در زمان ما قدیمی به شمار می آید، در عصر شاه عباس، نوین بوده است، و باید در کنار بناهای تاریخی آن زمان که در دوره ی سلجوقیان ساخته شده بود از جمله مسجد جامع قرار گیرد؛ اما سعی بر آن بوده است که میان این دو بافت قدیم و جدید، ارتباط منطقی و اصولی برقرار شود؛ نه این که مانند عصر حاضر با ساختن برج جهان نما، بنا به تعبیری «خاری بر چشم نقش جهان بنشانیم» {۲۹}

تصویری از جامعه ی ایران: (با در نظر گرفتن برخورد

دو بافت سنتی و مدرن)

از نظر دکتر آزاد ارمکی، از لحاظ تاریخی بودن، جامعه ایرانی دارای حیات و قوام و گوناگونی است. این جامعه، با صفت تمدنی، در بردارنده عناصر نهادی و سازمانی است. این عناصر و اجزاء جامعه را ساختار مند کرده است.

از طرف دیگر، فردیت مدرن ایرانی نیز ضمن اینکه دچار چالش های عمده ای شده است، هنوز قوام کافی نیافته است. فرد مدرن ایرانی، مدرن است ولی هنوز قوام کافی نیافته است. قدرت جامعه ایرانی به لحاظ سازمانی و نهادی و ضعف فردیت مدرن است که موجب اعوجاج فکری و اندیشه ای و

۹. ادیبی سعدی نژاد، فاطمه، (۱۳۸۹)، مفهوم بافت فرسوده و ویژگی های آن، محرواصلی: بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده ی شهری، ماهنامه ی اطلاع رسانی، آموزش و پژوهش، شماره ی ۵۴.
۱۰. مافی، عزت الله، (۱۳۷۸)، جغرافیای تطبیقی پاتولوژی شهری، فصلنامه ی تحقیقات جغرافیایی، شماره ی ۵۲ و ۵۳.
۱۱. اسماعیل زاده، یعقوب، حسن اسماعیل زاده، «عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش امنیت اجتماعی در شهرها»، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

12. McCollister, Kathryn E., French, Michael T, Fang, Hai, the cost of crime to society: New crime-specific estimates for policy and program evaluation Drug and Alcohol Dependence 108 (2010) 98-109.

۱۳. Weisburd, D, Criminal Careers of Places: a Longitudinal Study, U.S. Department of Justice, National Institute of Justice, 2004

۱۴. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، تهران: شهیدی.

۱۵. کلانتری، محسن، (۱۳۸۰)، «بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران»، پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، تهران.

۱۶. کامران نیا، جلال، (۱۳۸۵)، «تحلیل الگوهای فضایی و آینده نگری جرم در شهر شیراز(مورد محلات مرکزی شهر شیراز)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

۱۷. کاوه، محمد، (۱۳۹۱)، آسیب شناسی بیماری های اجتماعی، چاپ اول، تهران: جامعه شناسان.

۱۸. احمدی، محمد، (۱۳۹۰)، الگوی جرم در ایران از نظر دکتر آزاد ارمکی.

۱۹. اوطالبی، صابر، (۱۳۸۹)، محرواصلی: بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده ی شهری، ماهنامه ی اطلاع رسانی، آموزش و پژوهش، شماره ی ۵۴.

۲۰. توسلی، محمود، (۱۳۷۱)، اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

۲۱. علی آبادی، جواد، (۱۳۸۱)، نقش فضاهای شهری در تأمین امنیت اجتماعی، ماهنامه شهرداری ها، شماره 41.

22. Richard, M. *Urban Poverty Reduction: Slum Prevention And Urban Upgrading*. World Bank. 2001

۲۳. موسوی، یعقوب، (۹۳-۹۲)، جزوه ی درس: سمینار جامعه شناسی مسائل شهری.

۲۴. سیدجوادی، احمد، کامران فانی و بهاءالدین خرمشاهی، (۱۳۶۶)، دایرة المعارف تشیع، تهران.

از این رو بهتر است به منظور جلوگیری از وقوع انحرافات و ناهنجاری های اجتماعی و در نهایت جرم- هنگام برخورد سنت و مدرنیته-با برنامه ریزی و مدیریت، بستری مناسب فراهم شود. تا به این ترتیب زمینه برای پی ریزی و سازماندهی ارزش ها و هنجارهایی مکمل و به دور از هرگونه تناقض ایجاد شود. همچنین طی این روند، آماده سازی و بالا بردن آگاهی شهروندان نیز حائز اهمیت می باشد.

برای جلوگیری از ایجاد بافتی متناقض و زمینه ساز جرم، حتی می توان آن بافت های سنتی که دارای ارزش تاریخی می باشند را به عنوان میراث فرهنگی، مورد مرمت و بازسازی قرار داده و این مکان ها را به جاذبه های سیاحتی و توریستی تبدیل کرد؛ امری که هم اکنون در معروف ترین شهرها و کشورهای اروپایی رخ داده است.

منابع

۱. گیلبرت، آلن و ژوزف گاگلر، (۱۳۷۵)، شهرها، فقر و توسعه، شهرنشینی در جهان سوم، ترجمه پرویز کریمی ناصری، تهران: اداره کل روابط عمومی و بین الملل شهرداری تهران.
۲. نظریان، اصغر، (۱۳۸۰)، شهرهای آینده: کانون فاجعه انسانی یا بستر تعادل فرهنگی، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال اول، شماره ی ۳.
۳. سیاهویی، حمیدرضا، ابراهیم رستم گورانی و مریم بیرانوندزاده، (۱۳۸۹)، «سکونتگاه های غیررسمی، امنیت و توسعه پایدار شهری(مطالعه موردی شهر بندرعباس)».
۴. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۹)، جامعه شناسی، ترجمه ی حسن چاوشیان، تهران: نی.
۵. موسوی، یعقوب، (۹۳-۹۲)، جزوه ی درس: سمینار جامعه شناسی مسائل شهری.
۶. فاطمی، مهدی، «نحوه ی همجواری بافت های تاریخی و مدرن در بافت های قدیمی در شهرهای اروپایی»، معماری و مدرنیته.
7. Boskoff, Alvin, the sociology of urban region, Meredith corporation U.S.A. 1970
۸. ربیع، علیرضا، (۱۳۸۳)، «شهرسازی و عدالت اجتماعی علل فرسایش بافت های سنتی»، مجموعه مقالات همایش مسایل شهرسازی ایران (مدیریت شهری)، جلد دوم، دانشگاه شیراز، دانشکده هنر و معماری، شیراز.

۲۵. مکی ، حسین، (۱۳۶۶)، وقایع سی ام تیر ۱۳۳۱ (با تجدیدنظر و اضافات)، تهران، .
۲۶. عراقی، مهدی، ناگفته ها: خاطرات شهید حاج مهدی عراقی ، پاریس - پائیز ۱۳۵۷-۱۹۷۸ ، به کوشش محمود مقدسی ، مسعود دهشور، و حمیدرضا شیرازی، (۱۳۷۰)، تهران.
۲۷. موحد، محمدعلی، (۱۳۷۸)، خواب آشفته نفت : دکتر مصدق و نهضت ملی ایران، تهران.
۲۸. حسینی، حمیدرضا، «جهان نما خاری نشسته بر چشم نقش جهان» ، روزنامه ایران، شماره ۲۵۳۴، ۱۳۸۲/۵/۶.
۲۹. احمدی، محمد، (۱۳۹۰)، الگوی جرم در ایران از نظر دکتر آزاد ارمکی.
۳۰. گیدیین، زیگفرد، (۱۳۶۵)، فضا، زمان و معماری، ترجمه منوچهر مزینی، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۱. روال، راج، (۷۶-۷۷)، معماری از بطن جامعه و مردم برمی خیزد، مجله آبادی، سال هفتم، شماره های ۲۷ - ۲۸، ویژه جشنواره مهندسی ساختمان،